



حضرت زین العابدین علیه السلام تداوم بخش عزت و افتخار حسینی

عبدالکریم تبریزی

می آید. امام سجاد علیه السلام که در دوران امامت خویش در محدودیت شدیدی به سر می برد و حاکمان مستبد اموی سایه شوم خود را بر شهرهای اسلامی گسترده بودند و اهل ایمان از ترس مال و جان خود مخفی می شدند، با اتخاذ صحیحترین تصمیمها و موضوعگیریهای مناسب و بجا و با استفاده از مؤثرترین شیوهها توانست از فرهنگ عاشورا و دستاوردهای ارزشمند آن - که همان عزت و افتخار ابدی برای اسلام و مسلمانان و بلکه برای جهان بشریت بود - به صورت شایسته‌ای پاسداری کرده و راه حماسه

پیشوای چهارم شیعیان علیه السلام بعد از حضور در حماسه افتخار آفرین و عزت بخش عاشورای حسینی، از لحظه‌ای که در غروب عاشورا با شهادت پدر بزرگوار و سایر عزیزانش مواجه گردید برای ادامه راه آنان، مسئولیت سنگینی را به دوش کشید. امامت امت، سرپرستی اطفال و بانوان، رساندن پیام عاشورا به گوش جهانیان، تداوم مبارزه با طاغوت و طاغوتیان و از همه مهمتر پاسداری از اهداف متعالی امام حسین علیه السلام که موجب عزت و افتخار عالم اسلام گردید، از جمله مسئولیتهای آن امام همام به شمار

شکن آن شهر سخن گفته و بعد از شناساندن خویش و افشای جنایات امویان فرمود: «ای مردم! شما را به خدا سوگند می‌دهم، آیا شما برای پدرم نامه ننوشتید و آنگاه بی وفایی نکردید؟! آیا با او عهدها و پیمانهای محکم بستید و سپس با او پیکار کرده و او را به شهادت رساندید؟! وای بر شما! چه کار زشتی انجام دادید، شما چگونه به سیمای رسول الله صلی الله علیه و آله نظاره خواهید کرد، هنگامی که به شما بگوید: فرزندان مرا کشتید، احترامم را از میان بردید، پس، از امت من نیستید!» هنوز سخنان امام تمام نشده بود که مردم گریه کنان و ضجه زنان همدیگر را ملامت کرده و به نگون بختی خود، - که خود برگزیده بودند - تأسف خورده و اشک ندامت و پشیمانی می‌ریختند.^۱ مهمترین تأثیر این خطابه را می‌توان در سال ۶۵ هجری در قیام توابین به وضوح به نظاره نشست.

همچنین پیشوای چهارم هنگامی که در شام به مجلس جشن پیروزی

آفرینان کربلا را تداوم بخشد و یاد و نام و خاطره سالار شهیدان حضرت حسین بن علی علیه السلام را جاودانه ساخته و بر بلندای تاریخ ابدی نماید. در این فرصت با مهمترن فعالیت‌های آن یادگار امامت در پاسداری از فرهنگ عزت و افتخار حسینی علیه السلام آشنا می‌شویم:

۱- خطابه‌های حماسی و

تأثیرگذار

بدون تردید روشنگری‌های امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب کبری علیه السلام و برخی دیگر از خاندان حضرت ابا عبدالله علیه السلام بعد از ماجرای غمبار کربلا در تداوم آن نهضت عظیم اسلامی نقشی به سزا داشته است.

مهمترین دست‌آورد سخنان آن بزرگوار آگاه نمودن مردم غفلت زده، بیدار کردن وجدانهای خفته، افشای جنایات دشمنان اهل بیت علیهم السلام، نمایاندن چهره حقیقی زمامداران ستمگر اموی و انتشار فضائل و مناقب اهلبیت علیهم السلام و معرفی آن گرامیان به عنوان جانشینان بر حق پیامبر صلی الله علیه و آله بود. امام سجاد علیه السلام در شهر کوفه با مردم ساده، سطحی نگر، تأثیرپذیر و پیمان

۱- احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲.

یزید برده شد، ضمن تحقیر خطیبِ متملق دربار اموی، در کرسی خطابه قرار گرفته و با بهره گیری از زیباترین و بلیغ ترین جملات، فجایع کربلا را بازگو کرده و ضمن افشای چهره زشت جنایتکاران، تبلیغات سوء دشمنان اهل بیت را خنثی کرده و سیمای سراسر فضیلت و افتخار آل محمد علیهم السلام را برای مردم نا آگاه شام نمایان ساخت. آن حضرت فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ أُعْطِينَا سِتًّا وَفَضَّلْنَا بِسِنِّعٍ، أُعْطِينَا الْعِلْمَ وَالْحِلْمَ وَالسَّمَاخَةَ وَالْفَصَاخَةَ وَالشُّجَاعَةَ وَالْمَحَبَّةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ، وَفَضَّلْنَا بِأَنَّ مِنَّا النَّبِيَّ الْمُخْتَارَ مُحَمَّدًا وَ مِنَّا الصِّدِّيقَ وَ مِنَّا الطَّيَّارَ وَ مِنَّا أَسَدَ اللَّهِ وَ أَسَدَ رَسُولِهِ وَ مِنَّا سَبْطًا هُدَىٰ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ مِنَّا مَهْدِيَّ هَذِهِ الْأُمَّةِ؛^۱ ای مردم! به ما شش چیز عطا شده و به هفت نعمت [بر دیگران] برتری یافته ایم. به ما علم، حلم، جوانمردی، فصاحت، شجاعت و دوستی در دل مؤمنان عطا شده است و ما به اینکه رسول برگزیده خداوند، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و [حضرت علی علیه السلام نخستین] تصدیق کننده [پیامبر صلی الله علیه و آله] و جعفر طیار و [حمزه،] شیر خدا و رسول او و حسن و

حسین علیهم السلام و مهدی این امت از ما هستند، فضیلت داده شده ایم.»
آن حضرت در ادامه به فضائل بی شمار امیر مؤمنان علیه السلام پرداخته و از چهره درخشان علی علیه السلام به نحو زیبایی دفاع نموده و در خاتمه با معرفی امام حسین علیه السلام، به ذکر مصیبت آن حضرت پرداخت. این سخنان آتشین، منطقی و روشنگر، آنچنان فضای جهل و غفلت و خفقان را درهم شست که یزید در مقام دفاع از خود و سلطنتش برآمد.^۲
امام سجاد علیه السلام خطبه دیگری را نیز در نزدیکی مدینه برای مردمی ایراد نمود که به استقبال قافله خسته دل و دل شکسته حسینی آمده بودند. این خطابه نیز آثار فراوانی در روحیه مردم مدینه گذاشت که یکسال بعد از حادثه عاشورا، قیام خودجوشی از سوی اهالی مدینه بر علیه دستگاه طاغوتی بنی امیه رخ نمود که به «واقعه حرّه» معروف است.

۱- مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۰۵؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۳۷ و ۱۷۴؛ معالی السبطين، ج ۲، ص ۱۷۸.
۲- همان.

۲- گفتگوهای دشمن شکن

امام چهارم علیه السلام در پاسداری از اهداف عاشورا هر جا که احساس می کرد دشمن می خواهد قیام کربلا را زیر سؤال برده و آن حماسه تاریخی را پوچ و باطل جلوه دهد، در مقام دفاع برآمده و با پاسخهای کوبنده با نقشه های شیطانی آنان به ستیز بر می خواست که بارزترین نمونه های آن در مجلس عبیدالله بن زیاد و یزید بن معاویه به چشم می خورد. هنگامی که در مجلس ابن زیاد، حضرت زینب کبری علیها السلام وی را با نطق خویش رسوا نمود، ابن زیاد متوجه امام زین العابدین علیه السلام گشته و پرسید: این جوان کیست؟ گفتند: او علی بن الحسین علیه السلام است. ابن زیاد گفت: مگر خدا علی بن الحسین را نکشت؟ امام چهارم علیه السلام فرمود: من برادری بنام علی بن الحسین علیه السلام داشتم که مردم او را به شهادت رساندند.

ابن زیاد گفت: چنین نیست، خدا او را کشت.

امام سجاد علیه السلام آیه **وَاللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ...** را قرائت نمود. ابن زیاد از

پاسخ صریح امام خشمگین شده و فریاد زد: آیا در مقابل من جرأت کرده و پاسخ می دهی؟ او را ببرید و گردن بزنید. حضرت سجاد علیه السلام در ادامه گفتگو فرمود: **«بِالْقَتْلِ تُهَدَّدُنِي يَا بَنَ زِيَادٍ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْقَتْلَ لَنَا عَادَةٌ وَكِرَامَتُنَا الشَّهَادَةُ؟»** ای پسر زیاد! آیا مرا به قتل تهدید می کنی؟ مگر نمی دانی کشته شدن [در راه حق] عادت ما و شهادت [برای خدا عزت و] کرامت ماست.»

آن حضرت در مجلس یزید نیز با اینکه اسیر بود، هیچگاه حرکت و یا سخنی که نمایانگر عجز و خواری باشد از خود نشان نداد؛ بلکه همانند آزاده ای با شهامت، عزت و افتخار حسینی را به نمایش گذاشت.

آنگاه که یزید در مجلس خویش اسرای کربلا را برای تحقیر و شکستن ابهت و عظمت خاندان آل محمد صلی الله علیه و آله حاضر کرده بود، خطاب به امام سجاد علیه السلام گفت: دیدی که خدا با پدرت چه کرد؟ حضرت فرمود: ماجز قضای الهی که حکمش در آسمان و زمین

داشتن خاطره شهیدان کربلا، در مناسبت‌های گوناگون بر عزیزانش گریه می‌کرد. اشک‌های حضرت زین العابدین علیه السلام که عواطف را برانگیخته و در اذهان مخاطبان، ناخواسته مظلومیت شهدای کربلا را ترسیم می‌کرد، آثار پرباری برای تداوم نهضت عاشورا داشت و امروز این روش با پیروی از آن گرامی همچنان ادامه دارد و فرهنگ گریه بر سالار شهیدان عالم، همچنان تأثیرگذار بوده و در پیوند دادن عواطف و احساسات میلیون‌ها عزادار عاشق با راه و هدف حضرت ابا عبدالله علیه السلام مهمترین عامل محسوب می‌شود. عشق به امام حسین علیه السلام در سوگواری‌ها اشک می‌آفریند و این گریه‌های عزت بخش که افتخار شیعه می‌باشند هر سال در دهه محرم سیمای کشور اسلامی را به حماسه عاشورا نزدیک نموده و قیام امام حسین علیه السلام را در خاطره‌ها زنده می‌سازد. حضرت سجاد علیه السلام بنیانگذار

جریان دارد چیز دیگری ندیدیم. یزد گفت: «أَنْتَ ابْنُ الَّذِي قَتَلَهُ اللهُ؛ تو فرزند کسی هستی که خدا او را کشت.» امام فرمود: «أَنَا عَلِيُّ، ابْنُ مَنْ قَتَلْتَهُ؛ من علی؛ فرزند کسی هستم که تو او را به شهادت رساندی.» و در ادامه با تمسک به آیه قرآن فرمود: «مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَ عَضِبَ اللهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا»؛ و هرکس، مؤمنی را عمدتاً به قتل برساند مجازات او جهنم است، در آنجا همیشه می‌ماند، خداوند بر او غضب می‌کند و از رحمتش دور می‌سازد و عذاب بزرگی برای او آماده کرده است.»

یزید که نتوانست این پاسخ‌های محکم را - که جهنمی بودن وی را اثبات می‌کرد - تحمل کند، با خشم و غضب فرمان قتل امام را صادر کرد، اما امام سجاد علیه السلام با قاطعیت تمام فرمود: هیچگاه «فرزندان اسیران آزاد شده» نمی‌توانند به قتل انبیاء و اوصیا فرمان دهند، مگر اینکه از دین اسلام خارج شوند.^۲

۳- گریه‌های تأثرانگیز

امام سجاد علیه السلام برای زنده نگه

۱- نساء / ۹۳.

۲- شرح الاخبار مغربی، ج ۳، ص ۲۵۳؛ ذریعة النجاة، ص ۲۳۴.

فرهنگ سوگواری و گریه در میان مؤمنان، بعد از شهادت پدر ارجمند خویش در حدود ۳۵ سال امامتش به این روش ادامه داد تا جایی که یکی از بکائین پنجگانه تاریخ نامیده شد.^۱ وقتی علت این همه اشک و ناله را از او می پرسیدند در جواب می فرمود: «مرا ملامت نکنید. یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم، پیامبر و پیامبرزاده بود، او دوازده پسر داشت، خداوند متعال یکی از آنان را مدتی از نظرش غایب کرد، در اندوه این فراق موقتی، موهای سر یعقوب سفید شده، کمرش خمیده گشت و نور چشمانش را از شدت گریه از دست داد، در حالیکه پسرش در این دنیا زنده بود. اما من با چشمان خودم پدر و برادر و ۱۷ تن از خانواده ام را دیدم که مظلومانه کشته شده و بر زمین افتادند. پس چگونه اندوه من تمام شده و گریه ام کم شود؟»^۲

۴- حمایت از قیامهای طاغوت

ستیز

یکی از آثار نهضت جاویدان کربلا، دمیدن روح حماسه و شجاعت

و ایثار در میان مسلمانان بود. آنان با الهام از جنبش شورآفرین و حماسه ساز امام حسین علیه السلام و با تأثیرپذیری از خطابه های بیدارگر امام سجاد و حضرت زینب علیهما السلام روحیه اسلامخواهی و طاغوت ستیزی خود را در قالب قیامهای مردمی متبلور ساخته و بر علیه حکمرانان خودسر اموی دست به شورشهایی زدند که در نهایت بعد از مدتی اساس حکومت آنان را متزلزل ساخته و از میان بردند.

شاخصترین این جنبشها بعد از حادثه جانسوز کربلا، سه قیام معروف است که به نامهای قیام توابین، قیام مختار و قیام مدینه در تاریخ مطرح است. رهبران سه قیام، تداوم راه حضرت ابا عبدالله علیه السلام، غیرت دینی، اسلامخواهی و در نهایت محبت شدید به اهل بیت علیهم السلام را در شعارها و خواسته های خود نشان می دادند.

امام سجاد علیه السلام گرچه در ظاهر - به علت خفقان شدید و استبداد حاکم - در این قیامها نقشی نداشت و در حالت

۱- امالی صدوق، ص ۱۴۰.

۲- لهور سید بن طاووس، ص ۳۸۰.

۵- نیایشهای عارفانه و بیدارگر

از بهترین روشهای امام سجاد علیه السلام برای پاسداری از فرهنگ عاشورایی اسلام، که حکایت از بینش عمیق و زمان‌شناسی آن حضرت دارد، عرضه نیایشهای عرفانی و روشنگر می‌باشد. دعاهای حضرت سیدالسادین علیه السلام که در مجموعه‌های ارزشمندی همچون صحیفه سجادیه، مناجات‌نامه، عشر، دعای ابو حمزه ثمالی، نیایشهای روزانه و... گرد آمده است، دل هر شنونده عارف و اندیشمندی را می‌لرزاند و توجه به معانی بلند و باشکوه آن، تشنگان وادی کمال و معرفت را سیراب می‌سازد. در لابلای این عبارات وحی‌گونه، گذشته از اینکه مملو از حقایق و معارف حیاتبخش اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است و آدمی را با توجه دادن به شگفتیهای آفرینش، با خالق هستی مرتبط ساخته و به روح و جانش صفا می‌بخشد. فلسفه قیام حسینی تبیین می‌گردد و انسان نیایشگر ناخواسته از

تقیه به سر می‌برد، اما در واقع از رهبران اینها اعلام رضایت کرده و عملاً آنها را تأیید می‌نمود. به عنوان نمونه هنگامی که عده‌ای از دوستان اهل بیت علیهم السلام به نزد محمد حنفیه آمدند و اظهار داشتند: مختار در کوفه قیام کرده و ما را نیز به همیاری و همکاری فراخوانده است، اما نمی‌دانیم که آیا او مورد تأیید اهل بیت علیهم السلام هست یا نه؟ محمد حنفیه گفت: برخیزید به نزد امام من و امام شما، حضرت سجاد علیه السلام رفته و کسب تکلیف نماییم. هنگامی که موضوع را به عرض امام علیه السلام رساندند، آن حضرت فرمود: ای عمو! اگر غلامی به خونخواهی ما مردم را دعوت به قیام کند، بر همه مردم واجب است که او را یاری دهند و من تو را در این کار نماینده خود قرار می‌دهم، هر کاری در این زمینه صلاح می‌دانی انجام ده. آنان به همراه محمد حنفیه از نزد امام خارج شدند، در حالیکه سخنان امام سجاد علیه السلام را شنیده بودند و می‌گفتند: امام سجاد علیه السلام و محمد بن حنفیه به ما اذن قیام داده‌اند.^۱

۱- ذوب النصار، ص ۹۷؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۱۰۹.

جهان را به عنوان یکی از علل و عوامل قیام عاشورا برای تمام انسانهای خداجو و حقیقت طلب عرضه نمود و از این طریق عزت واقعی را به آنان شناساند که «إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»؛ «به درستی که همه عزت از آن خداوند است.»

امام سجاده علیه السلام در بخشی از دعای ۴۸ صحیفه سجادیه به تبیین جایگاه امامان شیعه و مظلومیت آنان پرداخته و عرض می‌کند: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِكَ وَأَصْفِيائِكَ وَمَوَاضِعِ أَمْنَائِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا، قَدْ ابْتَرْتُوْهَا؛ بارالها! این مقام [امامت] شایسته جانشینان و برگزیدگان و امنای تو در درجات بلندی است که خودت آنان را به آن اختصاص داده‌ای [و غاصبان] آن را به غارت برده‌اند.»

آن حضرت در فرازی از مناجات محبین به عاشقان عارف و حقیقت طلب چنین می‌آموزد: «اللَّهِمَّ! مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا وَمَنْ ذَا الَّذِي آتَى بِقُرْبِكَ فَأَبْتَعَنِي عَنْكَ حَوْلًا،

حالت انزوا و خمودی به صحنه مبارزه با طاغوت و ستمگران سوق داده شده و راه عزت حقیقی به وی نشان داده می‌شود.

در حقیقت آمیزش عرفان و حماسه یکی از بارزترین جلوه‌های معنوی فرهنگ عاشورا است، همچنانکه سید بن طاووس در مورد عرفان و معنویت عاشورائیان می‌نویسد: در شب عاشورا، امام حسین علیه السلام و یارانش آنچنان به عبادت و مناجات مشغول بودند که زمزمه‌های عاشقانه آنان همانند صدای زنبور عسل به گوش هر شنونده‌ای می‌رسید. برخی در حال رکوع و عده‌ای در حال سجده و یا در قیام و قعود بودند.^۱

این نیایشگران عارف همان کسانی بودند که فردای آن روز آنچنان جانبازی کرده و حماسه آفریدند که اهل آسمان و زمین را به تحیر واداشتند. امام سجاده علیه السلام میراث‌دار این قافله حماسه و عرفان و عشق بود که برای احیا و پاسداری از آن، در مقابل شیطان و شیطان صفتان جبهه‌ای باطنی گشود و ارتباط حقیقی با آفریدگار

۱- لهوف، ابن طاووس، ص ۱۷۲.

۲- یونس/ ۶۵.

۶- تربیت شاگردان

یکی از مهمترین شیوه‌های امام سجاده علیه السلام در پیشبرد اهداف قرآن و اهل بیت علیهم السلام، پرورش انسانهای مستعد و آماده کردن آنان برای مبارزه فرهنگی - عقیدتی با معارضان و مخالفان قرآن و اهل بیت علیهم السلام بود. شیخ طوسی در حدود ۱۷۰ نفر از یاران و شاگردان آن حضرت را فهرست کرده است که بیشتر آنان از امام سجاده علیه السلام بهره‌های علمی برده و روایت نقل کرده‌اند. در اینجا به چند تن از چهره‌های معروف آنان اشاره می‌کنیم:

۱- ابو حمزه ثمالی: وی رهبری شیعیان کوفه را به عهده داشت و در علم حدیث و تفسیر به مراتب عالی دست یافته و مورد علاقه و اعتماد امامان معصوم علیهم السلام قرار گرفته بود. ابو حمزه از جمله یاران نزدیک امام بود که امام سجاده علیه السلام برای اولین بار قبر امام علی را - که تا آن زمان نامعلوم بود - به وی شناساند و او به همراه شماری از فقیهان شیعه به زیارت حضرت

الهی فَأَجْعَلْنَا مِمَّنْ اصْطَفَيْتَهُ لِقُرْبِكَ وَوَلَايَتِكَ وَأَخْلَصْتَهُ لِرُودِكَ وَمَحَبَّتِكَ وَشَوْقَتَهُ إِلَيَّ لِقَاءِكَ؛ خداوند! کیست که شیرینی محبت را چشیده باشد و بجای تو دوستی دیگران را برگزیده باشد، و کیست که به مقام قرب تو مانوس شده و [بعد از آن] لحظه‌ای از تو روی گردانیده باشد؟! بارالها! ما را از کسانی قرار ده که برای قرب و دوستی خودت برگزیده‌ای و آنان را برای مهر و محبت خود خالص گردانیدی و آنان را برای ملاقات خود شائق ساختی.»

مهمترین نکته‌ای که در نیایشهای امام سجاده علیه السلام جلب توجه می‌کند، اهتمام آن حضرت به صلوات بر محمد و آل اوست که با توجه به عصری که مبارزه با اهل بیت علیهم السلام و یاران آنان در رأس برنامه‌های حکومت اموی بوده است و حتی لعن و سب علی علیه السلام و خاندانش همچنان ترویج می‌شد، شایان دقت است. همچنین نمایاندن عظمت اهل بیت علیهم السلام، ارزش محبت آنان و توسل به آنان در آن دوران نوعی مبارزه با دشمنان و مخالفین اهل بیت علیهم السلام به شمار می‌آید.

شدیدی پیدا کرد و از آن حضرت همیشه با لقب زین العابدین علیه السلام یاد می کرد. امام چهارم نیز از این ارتباط استفاده کرده و در مناسبتهای مختلف او را از یاری رساندن به ستمگران بر حذر می داشت و در نامه مفصلی، عواقب ارتباط و تمایل به زمامداران ستم پیشه را به وی گوشزد نمود. او از افرادی است که بیشترین بهره را از امام چهارم علیه السلام برده است. روزی زهری به حضور حضرت سجاد علیه السلام آمد، امام وی را افسرده و اندوهگین دیده و علت را پرسید. زهری گفت: ای پسر پیامبر! اندوه من از سوی برخی مردم بویژه افرادی است که به آنان خدمت کرده ام ولی آنها بر خلاف انتظار من به من حسد ورزیده و چشم طمع به اموال دوخته اند.

امام چهارم در ضمن ارائه رهنمودهای راهگشایی، به وی فرمود: «**إِحْفَظْ عَلَيْكَ لِسَانَكَ تَمْلِكُ بِهِ إِخْوَانَكَ**؛ اگر از زیانت مواظبت کنی همه دوستان و آشنایان در اختیار تو خواهند بود.» آنگاه حضرت افزود: زهری! کسی که

علی علیه السلام می رفت. تفسیر قرآن، کتاب نوادر، کتاب زهد، رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، دعای ابو حمزه شمالی از جمله آثار این شایسته ترین شاگرد مکتب امام چهارم علیه السلام می باشد.

۲- **یحیی بن ام طویل** مطعمی: وی از شاگردان نزدیک امام چهارم علیه السلام بود و با شهامت و جرأت تمام، طرفداری خود را از اهلیت علیه السلام و دشمنی اش را با ستمگران عصر علنی کرده و بدون واهمه ابراز می داشت. او وارد مسجد پیامبر شده و با کمال شجاعت، در میان مردم حاضر، خطاب به زمامداران مستبد و خودخواه می گفت: ما مخالف شما و منکر راه و روش شما هستیم، میان ما و شما دشمنی آشکار و همیشگی است.^۱ و گاهی در میدان بزرگ کوفه ایستاده و با صدای رسا می گفت: هر کس علی را سب کند، لعنت خدا بر او باد. ما از آل مروان بیزار هستیم.^۲

۳- **محمد بن مسلم بن شهاب** زهری: وی که در ابتدا از علمای اهل سنت بود، در اثر معاشرت با امام چهارم و بهره های شایان علمی که از آن حضرت می برد، به حضرت سجاد علیه السلام علاقه

۱- معجم رجال الحدیث، ج ۲۱، ص ۳۸.

۲- اصول کافی، باب مجالسة اهل المعاصی، حدیث ۱۶.

**مهمترین دست‌آورد سخنان آن
بزرگوار آگاه نمودن مردم
غفلت زده، بیدار کردن
وجدانهای خفته، افشای
جنایات دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام،
نمایاندن چهره حقیقی
زامداران ستمگر اموی و
انتشار فضائل و مناقب
اهلیت علیهم‌السلام و معرفی آن
گرامیان به عنوان جانشینان
بر حق پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود.**

که در تداوم نهضت کربلا و رساندن پیام امام
سجاد علیه‌السلام به نسلهای آینده نقش مهمی
داشته‌اند.

همچنین حضرت زین العابدین علیه‌السلام با
گرامی داشتن شعرای متعهد، از آنان به
عنوان زبان گویای اهل بیت علیهم‌السلام بهره
می‌برد. کمیت بن زیاد اسدی و فرزند
شاعر از جمله آنان می‌باشند.

عقلش کاملترین اعضاء وجودش نباشد، با
کوچکترین اعضایش (زبان) هلاک
می‌شود.» پیشوای چهارم ضمن اشاره به
مهمترین رمز توفیق در زندگی فرمود: اگر
دیدنی که مسلمانان تو را احترام می‌کنند و
بزرگ می‌شمارند، بگو آنها بزرگوارند که با
من چنین رفتار می‌کنند و اگر از مردم نسبت
به خود بی‌توجهی مشاهده کردی، بگو از
من خطایی سر زده که مستوجب چنین
بی‌احترامی شده‌ام.

هرگاه چنین اندیشیده باشی و طبق
این اندیشه عمل کنی، خداوند متعال
زندگی را بر تو آسان کرده، دوستانت زیاد و
دشمنانت به حداقل خواهند رسید. در این
صورت نیکیهای دیگران تو را خوشحال
می‌کند و از بدی و اذیتهای آنان آزرده
نخواهی شد.^۱

ابان بن تغلب، بشر بن غالب اسدی،
جابر بن عبدالله انصاری، حسن بن محمد
بن حنفیه، زید بن علی بن الحسین علیه‌السلام،
سعید بن جبیر، سلیم بن قیس هلالی، ابو
الاسود دؤلی، فرزدق شاعر، منهال بن
عمرو اسدی، معروف بن خربوذ مکی و
حبابه والیه از جمله معروفترین شاگردان
و یاران امام سجاد علیه‌السلام محسوب می‌شوند

۱- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۵۶.